

An Identity-Centered Approach to Russia's Balanced Policy toward Islamic Countries in the Middle East: A Case Study of Iran and Saudi Arabia (2011-2020)

Seyyed Razzagh Moghimi¹, Davoud Kiani², Mehdi Javadani Moghadam³

¹ Ph.D., Student, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
Srmoghimi2023@gmail.com

² Associate Professor, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (**Corresponding author**). dkiani@outlook.com

³ Assistant Professor, Department of International Relations, Imam Sadegh University, Tehran, Iran.
Javadani@isu.ac.ir

Abstract

The purpose of the present research is to study effective criteria on Russia's policy towards Islamic countries in the Middle East after Arab revolutions. In this regard, the main research question of the current study is: what factors have led Russia to adopt a balanced policy towards Islamic countries in the Middle East during 2011-2020? Moreover, the research relies on the hypothesis that during that the above time period, Russia, on the one hand, assisted Shi'ite groups led by Iran to fight against excommunication (Takfiri) terrorism, and on the other hand, expanded its relations with Sunni Muslim countries in order to prevent stimulation of religious fundamentalism in its Muslim republics. The current study which was conducted by a descriptive analytic method in the theoretical framework of constructivism, presents a rather distinctive analysis of the essence of Russia's relations with middle eastern Islamic countries after Arab revolutions. The results indicate that since Arabic revolutions in 2011 and formation of new groups in the regional and international level in the Middle East, especially the Syrian crisis that initiated a new stage in Russia's relations with the Islamic world, Moscow has attempted to adopt a balanced policy towards Islamic countries in the Middle East to remove the danger of Islamic extremism, avoid tension with those countries and reinforce relationship with them. Therefore, it is expected that Russia highlights the role of Islam in its foreign policy and that Russian politicians show more interest in constructive collaboration with middle eastern Islamic countries.

Keywords: Arabic Revolutions, Islamic Countries, Middle East, Russia, Iran, Saudi Arabia, Syria, Foreign Policy, International Relations, Islamic World, Extremism.

Cite this article: Moghimi, S.R., Kiani, D. & Javadani Moghadam, M. (2023). An Identity-Centered Approach to Russia's Balanced Policy toward Islamic Countries in the Middle East: A Case Study of Iran and Saudi Arabia (2011-2020). *Iranian Political Research*, 10(3), p. 7-30. <https://doi.org/10.22034/sej.2022.1957305.1451>

Received: 2023/06/27 ; **Received in revised form:** 2023/07/17 ; **Accepted:** 2023/08/02 ; **Published online:** 2023/08/07

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University



نگرشی هویت‌محور بر سیاست متوازن روسیه در قبال کشورهای اسلامی خاورمیانه: مطالعه موردی ایران و عربستان (۲۰۲۰-۲۰۱۱)

سید رزاق مقیمی^۱، داود کیانی^۲، مهدی جاودانی‌مقدم^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. Srmoghimi2023@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). dkiani@outlook.com

^۳ استادیار، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران. Javdani@isu.ac.ir

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست روسیه نسبت به کشورهای اسلامی خاورمیانه، پس از انقلاب‌های عربی است. در این راستا، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که چه عواملی روسیه را به سمت اتخاذ سیاست متوازن نسبت به کشورهای اسلامی خاورمیانه از سال ۲۰۱۱-۲۰۲۰ سوق داده است؟ همچنین پژوهش بر این فرضیه استوار است که در فاصله سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۲۰ میلادی، روسیه از یک‌سو در مبارزه علیه تروریسم تکفیری، به همکاری با گروه‌های شیعی به رهبری ایران روی آورد و از سوی دیگر، با هدف جلوگیری از تحریک بنیادگرایی دینی در جمهوری‌های مسلمان‌نشین خود، به گسترش روابط با کشورهای اسلامی سنی مذهب پرداخت. در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و در قالب چارچوب نظری سازه‌انگاری، تحلیلی نسبتاً متمایز از ماهیت روابط روسیه با کشورهای اسلامی خاورمیانه در مقطع پس از انقلاب‌های عربی ارائه گردید. نتایج حاکی از آن است که با وقوع انقلاب‌های عربی در سال ۲۰۱۱ میلادی و شکل‌گیری دسته‌بندی‌های جدیدی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در خاورمیانه، به ویژه پیرامون بحران سوریه که آغازگر مقطع تازه‌ای در روابط روسیه با جهان اسلام بود، مسکو با هدف دفع خطر جریان افراط‌گرایی اسلامی، تلاش کرد با اتخاذ سیاست متوازن نسبت به کشورهای اسلامی خاورمیانه، ضمن پرهیز از ایجاد تنش با آنها، به تقویت روابط با آنان بپردازد. لذا انتظار می‌رود، نقش اسلام در سیاست خارجی روسیه افزایش یابد و دولتمردان روسی، تمایل بیشتری به تعامل سازنده با کشورهای اسلامی خاورمیانه پیدا نمایند.

کلیدواژه‌ها: انقلاب‌های عربی، کشورهای اسلامی، خاورمیانه، روسیه، ایران، عربستان، سوریه، سیاست خارجی، روابط بین‌الملل، جهان اسلام، افراط‌گرایی.

استاد به این مقاله: مقیمی، سید رزاق؛ کیانی، داود؛ جاودانی‌مقدم، مهدی (۱۴۰۲). نگرشی هویت‌محور بر سیاست متوازن روسیه در قبال کشورهای اسلامی خاورمیانه: مطالعه موردی ایران و عربستان (۲۰۲۰-۲۰۱۱). *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۰(۳)، ص ۷-۳۰.

<https://doi.org/10.22034/sej.2022.1957305.1451>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسنده‌گان.



<http://se.journal.qom-iau.ac.ir/>

۱. مقدمه

مناسبات کشور روسیه با جهان اسلام دارای تاریخ پرفراز و نشیبی است؛ به طوری که در برخی از مقاطع روابط حسنه و در برخی مقاطع، دارای روابط تیره بوده‌اند. پس از فروپاشی شوروی، روسیه در جستجوی هویت از دست رفته خویش به این واقعیت دست یافت، که سیاست دنباله روی از غرب، موجب سرخوردگی هرچه بیشتر مسکو در سطح داخلی و خارجی شده است. روی کار آمدن پوتین و اتخاذ رویکرد اوراسیاگرایی از سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد، آغاز دوره نوینی در روابط روسیه و جهان اسلام بود. به دیگر سخن، سیاست نزدیکی به کشورهای اسلامی برای روسیه با داشتن بیش از ۲۵ میلیون مسلمان، نه فقط یک انتخاب، بلکه یک اضطرار بود.

پس از انقلاب‌های عربی و در بحران سوریه، از یک سو، بازیگرانی چون آمریکا و عربستان، خواستار سرنگونی بشار اسد بوده و از سوی دیگر، کشورهایی مانند روسیه و ایران، ضمن حمایت از دولت سوریه، بر مبارزه با تروریست‌های تکفیری تأکید کردند و به همکاری بی سابقه با یکدیگر در این زمینه پرداختند. با وجود اینکه ایران همواره تأثیر بسزایی در تحولات جهان اسلام داشته و همکاری با این کشور، توانسته است موازنه لازم را برای روسیه در محیط پیرامونی خود به وجود آورد؛ اما برای روسیه بسیار مهم است که روابط دوستانه با همه کشورهای اسلامی از جمله عربستان را در سطوح دوجانبه و درون سازمان همکاری اسلامی تقویت نماید.

در این راستا، سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که: چه عواملی روسیه را به سمت اتخاذ سیاست متوازن نسبت به کشورهای اسلامی خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ میلادی سوق داد؟ فرضیه اصلی این است که «در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ میلادی، روسیه از یک سو در مبارزه علیه تروریسم تکفیری، به همکاری با گروه‌های شیعی به رهبری ایران روی آورد و از سوی دیگر، با هدف جلوگیری از تحریک بنیادگرایی دینی در جمهوری‌های مسلمان‌نشین خود، به گسترش روابط با کشورهای اسلامی سنی مذهب پرداخت». در پژوهش حاضر، ضمن بررسی و آزمون فرضیه اصلی با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از نظریه سازه‌نگاری که هر دو سطح ساختار و کارگزار، و عوامل مادی و غیرمادی (هویت و فرهنگ) را مدنظر دارد، تلاش می‌شود تحلیلی نسبتاً متمایز از سیاست روسیه، نسبت به کشورهای اسلامی خاورمیانه ارائه گردد.

۲. پیشینه تحقیق

درباره روابط و مناسبات روسیه و کشورهای اسلامی به ویژه پس از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ میلادی، کتاب‌ها و مقالات متعددی به زبان فارسی، انگلیسی و روسی نوشته شده است. در برخی

از این آثار ضمن آنکه بیشتر به حوزه‌های جغرافیایی، فرهنگی و تمدنی پرداخته شده، معرفی فرصت‌ها و ظرفیت‌های روسیه برای کشورهای مسلمان مدنظر نویسندگان بوده و از منظر نگاه روسیه به جهان اسلام، مورد توجه قرار نگرفته است. آثاری که طی چند سال اخیر در تحلیل روابط روسیه با کشورهای اسلامی نوشته شده، بیشتر مربوط به تحولات سال‌های اولیه پس از انقلاب‌های عربی به ویژه پیرامون بحران سوریه است و کم‌تر به مسائل جاری پرداخته‌اند. اکثر این آثار، دارای سطح تحلیل تک‌بعدی ساختار محور بوده و مؤلفه‌های داخلی اثرگذار بر روند سیاست خارجی روسیه را مدنظر نداشته و بیشتر از نظریه‌های واقع‌گرایانه و نظریه‌های مبتنی بر عناصر مادی قدرت بهره‌جسته و عوامل غیرمادی را نادیده گرفته‌اند. از جمله آنها می‌توان به کتاب «زمینه‌ها، عامل‌ها و پیامدهای تحول در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه (مجموعه مقاله‌ها)» (کولایی و عزیزی، ۱۳۹۹) و مقالاتی چون «سیاست خاورمیانه بزرگ روسیه، یا، هنر دوستیابی با همه» (کاتز، ۲۰۱۰) و «الگوهای رفتاری سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه پس از خیزش‌های عربی» (میرفخرایی، ۱۳۹۹) اشاره کرد.

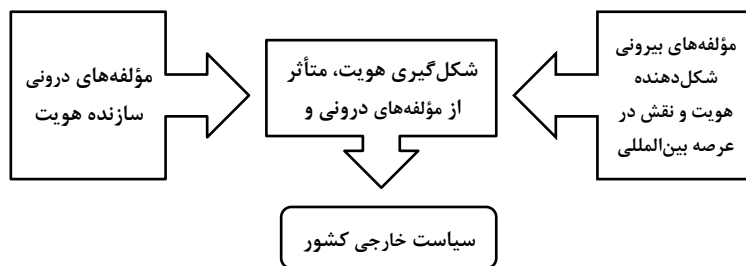
۳. چارچوب نظری

فروپاشی شوروی علاوه بر ایجاد تغییر در ساختار نظام بین‌الملل، موجب خیزش هویت‌های خاص‌گرایانه و اهمیت یافتن نقش هنجارها، ارزش‌ها و انگاره‌ها در مناسبات بین‌المللی شد و مؤلفه‌های فرهنگی، قومی، ارزشی و انگاره‌هایی که تشکیل‌دهنده هویت باشند، از اهمیت بیشتر و تعیین‌کننده‌تری برخوردار شده‌اند. اگر مکتب رئالیسم، مادی‌گرا و مکتب ایدئالیسم معناگراست، سازه‌انگاری راهی میانه را برگزیده که تلفیقی از آن دو است (مشیرزاده، ۱۳۹۰، ص ۲۳۵). براساس این دیدگاه، دنیای اجتماعی روابط بین‌الملل فقط بر مبنای ساختار مادی نظام بین‌الملل شکل نمی‌گیرد؛ بلکه هویت، نیروهای اجتماعی، زبان، انگاره‌ها و مفاهیم در تبیین و توضیح الگوهای رفتاری در سیاست خارجی نقش دارند (قوام، ۱۳۸۴، ص ۲۲۸).

سازه‌انگاری، دولت‌ها را تنها کارگزار سیاست بین‌الملل نمی‌داند و همراه با آن نقش بازیگران غیردولتی و جریان‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز در این زمینه مهم می‌داند. سازه‌انگاری از راه رهیافت سیاست هویت تلاش می‌کند تا نقش و تأثیر اجتماع‌های بین‌الذلهانی مانند ملی‌گرایی، قومیت، هویت، مذهب، فرهنگ، جنسیت و دیگر گروه‌های اجتماعی را در رفتار سیاست خارجی کشورها توضیح دهد (ونت، ۱۳۸۴، ص ۱۶۷-۱۶۸). سازه‌انگاران با بحث در مورد بنیان‌های غیرمادی، فرض‌های جریان اصلی را رد می‌کنند و مفهوم «معانی» را در مرکز درک اقدام اجتماعی

قرار می‌دهند (Hopf, 1998, p.191).

نکته اصلی این نظریه، تأثیر و تأثر متقابل ساختار بر کارگزار و کارگزار بر ساختار است. بازیگران برحسب معانی ذهنی زبان و تلقی خود که برآمده از محیط داخلی آنها است، دست به کنش می‌زنند؛ البته به نحو متقابل ساختار هم، هویت و منافع آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دیدگاه رایج در بررسی گفتمان سیاست خارجی روسیه، استفاده از نظریه‌های اثبات‌گراست که نقش عنصر هویت در تکوین منافع ملی و سیاست خارجی را در نظر نمی‌گیرند. به گفته الکساندر ونت^۱، هویت دولت‌ها که در طول تاریخ و در تعامل با دیگر هویت‌ها شکل گرفته است، رفتار کشورها در صحنه نظام بین‌الملل را شکل می‌دهد (Fearon & Wendt, 2005, p.326). سازه‌انگاری، تأثیر عامل‌های مادی را نادیده نمی‌گیرد؛ بلکه معتقد است، جنبه‌های فرهنگی، هنجارها و هویت‌ها به شدت، عامل‌های مادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Fearon & Wendt, 1999, p.137). به عبارت دیگر، هر کشوری در شرایط اجتماعی متمایز عمل می‌کند و نگرانی‌های منحصر به فردی دارد. هویت دولت‌ها یعنی گرایش‌های شناختی، عواطفی و ارزیابی نسبت به «خود» و «دیگری»، بر ادراک آنها از تهدیدها و فرصت‌ها تأثیر می‌گذارد. ونت معتقد است میان هویت، تصمیم و کنش بازیگران، رابطه مستقیم وجود دارد. بنابراین، هر بازیگری در ارتباط با دیگران، برداشت‌های خاص خود را دارد (Fearon & Wendt, 2005, p. 328).



شکل ۱- مدل مفهومی نسبت هویت و سیاست خارجی یک کشور

براساس نظریه سازه‌انگاری، منطق حاکم بر سیاست خارجی روسیه فقط مبتنی بر قدرت مادی، آن گونه که واقع‌گرایان اعتقاد دارند، نیست و عوامل دیگری چون باورها، هویت، فرهنگ و تاریخ بر منافع ملی و سیاست خارجی روسیه تأثیر می‌گذارد. لذا برای بررسی رفتار سیاست خارجی

1. Alexander Went

روسیه، ضمن توجه به مصادیق قدرت مادی این کشور، باید به شناخت کارگزاران، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و اجتماعی آن نیز پرداخت. راهبرد سیاست خارجی روسیه پس از فروپاشی شوروی، به ویژه در دوران پوتین را نمی‌توان فقط با تکیه بر نظریه‌های اثبات‌گرا که اتکایشان توجه به مسائل مادی در شکل‌گیری منافع ملی و کنش خارجی کشورها است، تجزیه و تحلیل کرد. در این دوران، هویت روسیه به عنوان عاملی مهم در تکوین منافع و سیاست خارجی این کشور نقش داشته است (Fearon & Wendt, 2005, p. 64). بنابراین، برای تأمل در سیاست خارجی روسیه، باید به تجزیه و تحلیل مسائل داخلی روسیه، درک سنت‌های تاریخی و سیاسی، فرهنگ و هویت روسی پرداخته شود (Ermolaeva, 2016, p.190).

۴. عناصر اسلامی تشکیل‌دهنده هویت روسی و تأثیر آن بر سیاست خارجی روسیه

فدراسیون روسیه در قسمت شرقی اروپا و بخش شمالی آسیا واقع شده و همزیستی طبیعی و روابط متقابل میان اسلاوها (اکثرأ روس‌ها) و مردم ایران، قفقاز و ترکیه، تعامل مثبتی میان روس‌ها و مسلمانان بنیان گذاشته (یملیانوا، ۱۳۷۶، ص ۹۲) است و بدین ترتیب، عناصر آسیایی و اسلامی راه خویش را به هویت روسی باز کرده‌اند.

بر خلاف بسیاری از کشورهای اروپایی که مسلمانان، اکثراً مهاجرند، جوامع مسلمانان روسیه بومی بوده‌اند و دارای مرجع جغرافیایی روشن و سنت‌های عمیق قومی هستند (Ярлыкапов, 2016). ورود اسلام به روسیه را می‌توان حدود دوازده قرن قبل دانست. در واقع، اولین مسلمانان، زمانی در روسیه حضور داشتند که دولت روسیه به معنای امروزی وجود نداشت (Amaliah Team, 2019). از نظر تاریخی، سرزمینی که هم‌اکنون قلمرو روسیه را تشکیل داده است، حدود دو قرن به طور کامل، زیر سلطه مغولانی بود که مدتی پس از تثبیت موقعیتشان، آیین اسلام را پذیرفته و مسلمان شده بودند. تنها از نیمه قرن شانزدهم بود که روسها، پس از به دست آوردن وحدتی نسبی، کم‌کم متوجه جنوب اسلامی شدند و آغاز به پیشروی در این مناطق کردند. این روند که تا اوایل قرن بیستم به طول انجامید، سرانجام به سیطره روسیه بر کلیه سرزمین‌های مسلمان‌نشین آسیای مرکزی، قفقاز شمالی و جنوبی و نیز منطقه ولگا- اورال شد (گروسه، ۱۳۷۹). پس از فروپاشی اتحاد شوروی، اسلام در روسیه گسترش یافت. این گسترش هم از نظر تشکیلات و ساختارهای ظاهری و هم از نظر آگاهی‌های مسلمانان نسبت به سنت‌ها و میراث دینی آنان و بالاخره از نظر تأثیر اسلام در ساختارهای جامعه روسیه قابل توجه بوده است. با وجود این تاکنون، آمار دقیقی از تعداد واقعی مسلمانان در این کشور اعلام نشده است. در حال حاضر تعداد مسلمانان روسیه بین بیست تا سی

میلیون نفر برآورد شده است برخی آمار، جمعیت مسلمانان را ۲۰-۲۵٪ کل جمعیت نزدیک به ۱۴۰ میلیونی روسیه عنوان کرده‌اند (سنایی، ۱۳۹۳). طبق اطلاعات سال ۲۰۱۵ میلادی، جمعیت کشور روسیه ۷۷۳،۴۲۳،۱۴۲ نفر است که از این تعداد، حدود ۳۰ میلیون نفر مسلمان هستند. تعداد بالای مسلمانان در روسیه، اسلام را به دومین دین بزرگ این کشور تبدیل می‌کند و اگرچه این کشور مسلمان نیست، اما یکی از پنج کشور ناظر در سازمان همکاری اسلامی است (Karadere, 2017). براساس این داده‌ها، می‌توان ارزیابی کرد که روسیه بیشترین جمعیت اقلیت مسلمان را در کل اروپا دارد (Antúnez, 2016).

دین اسلام، نقش تأثیرگذاری در روند شکل‌گیری هویت، مناسبات داخلی و تعاملات بین‌المللی روسیه ایفا کرده است. علاوه بر آن باید به تأثیر عامل اسلام بر تحولات و دورنمای مسائل امنیتی روسیه در دوران شکل‌گیری فدراسیون روسیه و ماهیت روابط این کشور با بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای نیز اشاره نمود. اگرچه بیشتر مسلمانان، از جمله در شمال قفقاز هرگز خواهان جدایی چچن از روسیه نبوده‌اند؛ اما بی شک خطرات وسیعی از سوی گروه‌های رادیکالی، می‌تواند این مناطق را تهدید نماید (Isayev, 2007). در واقع، از دیدگاه مباحث مربوط به امنیت سرزمینی، «تهدید اسلامی» در روسیه بسیار خطرناک برآورد می‌شود. چنین تهدیدی، در چند سطح مجزا، اما مرتبط با هم، مورد توجه دولت مردان روسیه قرار می‌گیرد: در سطح اول، مسلمانان ساکن در خود روسیه قرار دارند و حدود ۲۰ میلیون نفر از جمعیت فدراسیون روسیه را تشکیل می‌دهند؛ در سطح دوم، مسلمانان کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی قرار دارند. در سطح سوم، کشورهای مسلمان‌نشین غیرعرب که با مناطق مذکور همسایه‌اند (افغانستان، پاکستان، ایران و ترکیه) مورد توجه قرار می‌گیرند؛ و سطح چهارم نیز به مسلمانان کشورهای عرب خاورمیانه اختصاص دارد. در این میان، آنچه بیش از همه، اسباب نگرانی دولت روسیه را فراهم می‌کند، موضوع «ظرفیت تهدید» این کمربند اسلامی است، که در قالب گسترش اسلام تندرو و به دنبال آن گسترش جدایی‌طلبی و نیز تروریسم جلوه‌گر می‌شود (کولایی و عزیزی، ۱۳۹۹، ص ۲۹۸).

۵. رویکرد روسیه نسبت به جهان اسلام پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا انقلاب‌های عربی

به دنبال حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، مسکو با درک تهدید گسترش و نفوذ افراط‌گرایی اسلامی از افغانستان به نقاط پیرامونی و داخل خاک روسیه، ضمن موافقت با حضور نظامی آمریکا در حوزه نفوذ سنتی و حیات خلوت خود (منطقه آسیای مرکزی و قفقاز)، به همکاری با این کشور در جنگ با طالبان پرداخت و از این طریق توانست، ضمن دفع خطر بنیادگرایی دینی،

حمایت بین‌المللی برای برخورد با اسلام‌گرایان چچنی را نیز کسب نماید. پس از سقوط طالبان در افغانستان و در پی تصمیم آمریکا مبنی بر حمله به عراق به بهانه دستیابی آن کشور به سلاح‌های کشتار جمعی و خلع سلاح رژیم صدام، روسیه در جبهه مخالفان جنگ قرار گرفت و در حمله به عراق، با آمریکا همراهی نکرد.

پژوهشگران و سیاستمداران روسی استدلال کردند که کشور آنها نمی‌تواند مطابق سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه عمل کند؛ چراکه روسیه توسط کشورهای مسلمان محاصره شده و ۸ جمهوری از ۲۱ جمهوری فدراسیون روسیه که از نظر قومی تعیین شده‌اند، تحت سلطه ملت‌های مسلمان است (Levesque, 2008, p.6).

پس از تحولات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و به ویژه اقدامات نظامی آمریکا در افغانستان و عراق که منجر به تکثیر بنیادگرایی دینی در خاورمیانه گردید، مسکو توجه خود را نسبت به جهان اسلام افزایش داد. پوتین، بسیار هوشمندانه به این نتیجه رسید که اسلام نیرویی تأثیرگذار در آینده دنیا خواهد بود و دولت روسیه بدون تعیین نسبت خود با مسلمانان، امکان ادامه حکومت ندارد. اسلام در روسیه در حال گسترش بود و مسکو با جمعیت رو به رشد مسلمانان و مطالبات روز افزون آنها مواجهه می‌گشت. لذا پوتین به دنبال تبدیل موضوع اسلام در روسیه از تهدید به فرصت بود. او به خوبی از احساسات ضد آمریکایی اعراب به‌ویژه بعد از اشغال عراق آگاهی داشت و سعی می‌کرد با برقراری روابط اقتصادی و سیاسی با اعراب و سایر کشورهای منطقه به‌ویژه ایران، قدرت ملی روسیه را بالا ببرد و از نفوذ روزافزون آمریکا در این منطقه جلوگیری نماید (فیروز، ۱۳۹۰).

۶. سیاست روسیه در قبال کشورهای اسلامی خاورمیانه پس از انقلاب‌های عربی

سیاست خارجی روسیه در قبال منطقه خاورمیانه پس از خیزش‌های عربی، مبتنی بر عدم مداخله در بحران‌های داخلی جهان عرب در کشورهای مصر، تونس، لیبی، یمن و بحرین بوده است؛ اما نگرانی روسیه از تهدیدات ناشی از اسلام‌گرایی افراطی و تروریسم برای امنیت داخلی روسیه موجب شد، که این کشور با حمایت از رژیم اسد در سوریه، در منطقه خاورمیانه نقش فعال‌تری ایفا نماید (Trenin, 2016, p. 3). در صورت سقوط دولت قانونی سوریه [بشار اسد]، قلمروی روسیه باید به منطقه‌ای برای کنترل سازمان‌های افراطی مذهبی تبدیل می‌شد. در حقیقت، پیروزی رادیکال‌ها در سوریه به یک ابزار در دست آمریکا تبدیل می‌شد تا اوضاع آسیای مرکزی و قفقاز را نیز بی‌ثبات کند (Бордачѳв, 2021). در نتیجه این تفکرات، سیاست خارجی روسیه در

سوریه هویت‌محور و همزمان امنیت‌محور قرار داده شد؛ تا حدی که می‌توان ادعا کرد، افراط‌گرایی مذهبی، به عنوان یکی از اصلی‌ترین تهدیدهای امنیتی داخلی، هویت ملی روسیه را به همان اندازه که تحت تأثیر قرار می‌دهد، تهدید می‌کند (Ermolaeva, 2016, p.184).

روسیه به طور کلی نسبت به شناخته شدن به عنوان قدرتی ضد اسلام حساس است. این به علت تمایل به دوری از خصومت با جامعه مسلمانان در روسیه و در نتیجه به وجود آمدن چالش روسی-اسلامی است. از طرفی نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که نفوذ تندرویان اسلامی در روسیه و مناطق پیرامونی این کشور، هزینه‌های زیادی بر مسکو تحمیل کرده است (خاشع، ۱۳۹۲). روسیه در زمینه افراط‌گرایی مذهبی با وضعیتی متناقض مواجه است؛ از یک سو ناگزیر از سرکوب هر نوع بنیادگرایی دینی در داخل کشور به ویژه قفقاز شمالی و چچن برای جلوگیری از گسترش رادیکالیسم اسلامی و تجزیه‌طلبی قومی است و از سوی دیگر، باید مانع تأثیرگذاری احساسات مذهبی و حمایت برخی کشورهای اسلامی خاورمیانه نسبت به اتباع مسلمان و جمهوری‌های مسلمان‌نشین خود شود. از منظر دولت مردان روسی سیاست اصلی، مصون ماندن روسیه و مناطق پیرامونی آن از تحولات خاورمیانه در زمینه‌هایی مانند تروریسم، بنیادگرایی دینی و... بهره‌گیری از مکانیسم‌ها و ابزارهای مختلف در نزدیکی به کشورهای اسلامی واقع در این منطقه است. بر این اساس، پس از انقلاب‌های عربی، روسیه سیاست متوازنی در قبال کشورهای اسلامی خاورمیانه اتخاذ کرد، که مهم‌ترین محورهای آن به شرح زیر است:

۶-۱. ترویج اسلام سیاسی میانه‌رو

روسیه به دنبال ترویج اسلام سیاسی صلح‌طلب است. یک تحلیل‌گر سیاسی چچنی در این باره می‌گوید: «روسیه در حال سرمایه‌گذاری روی این تصویر از خود است که با آمریکا تفاوت دارد، خصومتی با اسلام ندارد و به دنبال معرفی یک اسلام میانه‌رو است». تلاش روسیه برای ترویج الگوی دیگری از اسلام در هماهنگی با قدرت‌های جهان عرب، بیش از مسیرهای اقتصادی و نظامی موجب تحکیم موقعیت این کشور در خاورمیانه خواهد شد (نشریه آتلانتیک، ۱۳۹۷). روسیه به هیچ عنوان علاقه‌مند نیست جمعیت مسلمان این کشور به سمت آموزه‌های وهابی و مدل اسلامی که از سوی عربستان ارائه می‌شود، سوق یابد.

۶-۲. بهبود روابط با کشورهای اسلامی خاورمیانه

رویکرد روسیه نسبت به جهان اسلام به ویژه جوامع مسلمان خاورمیانه، جلوگیری از تأثیر بنیادگرایی اسلامی بر مسلمانان این کشور است. در این راستا، روسیه به دنبال بهبود روابط با

کشورهای اسلامی برای کاهش تنش با مسلمانان داخل کشور خود است. باید توجه داشت که برخلاف اتحاد شوروی که یک چارچوب سیاسی داخلی با ثبات داشت، روسیه باید بسیاری از تلاش‌هایش را به حفظ انسجام قلمروی خود اختصاص دهد. در این چارچوب، خاورمیانه منبعی خطرناک و بالقوه برای بی‌ثباتی داخلی روسیه (ترس از انتقال ناآرامی‌ها به اقلیت مسلمان روسیه) است. بر این اساس، روسیه روابطش را با کشورهایی مانند عربستان سعودی که به طور سنتی در سمت غرب بودند را گسترش داده و از سوی دیگر نیز، روابطش با ایران و سوریه را تحکیم بخشیده است (Dannreuther, 2012, p. 545).

تداوم و تسری بهار عربی در منطقه [خاورمیانه] می‌توانست، فضایی را ایجاد کند که به وضعیت متوازن موجود در روابط روسیه و کشورهای مسلمان آسیب برساند. فضای جدید اسلام‌گرایی و نقش قطر، عربستان و ترکیه در تشویق اسلام‌گرایان، شرایط را برای آسیب‌پذیری نقش روسیه در مسائل مربوط به مسلمانان در آسیای مرکزی، قفقاز و حتی در بین ۳۰ میلیون مسلمان ساکن در خود روسیه را فراهم کرده بود. از نگاه روس‌ها، هم‌پیمانی آمریکا و اسلام‌گرایان عربستانی، ترکیه‌ای، اخوانی و حتی طالبانی می‌تواند فضای عمومی خاورمیانه، مرزهای جنوبی روسیه در آسیای میانه و قفقاز را برای روسیه محدودتر و سخت‌تر کند. مجموعه حوادثی که در منطقه رخ داد باعث شد، که توجه روسیه به مرزهای جنوبی و به ویژه خاورمیانه بیشتر شود و جهت‌گیری جدیدی نسبت به این مسائل داشته باشد (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۵، ص ۴۳-۴۴).

۳-۶. ایجاد توازن در روابط با قدرت‌های ذی‌نقش در بحران سوریه

روسیه جهت عدم ایجاد هرگونه اتحاد استراتژیک و همه‌جانبه با هریک از قدرت‌های منطقه خاورمیانه و حفظ تعادل و برقراری موازنه در روابط با همه محورهای مهم و دارای منافع، به یک همکاری موقت و موردی با هرکدام از محورها و کشورهای مهم منطقه خاورمیانه اقدام کرده است، تا ضمن بهره‌برداری از منافع حاصل از همکاری با تمام محورها و کشورها، خود را به هیچ‌یک از این محورها متعهد و محدود نسازد. از جمله کشورها و مناطق حساس و مهمی که روسیه در خاورمیانه به آنها نگاه داشته است و سعی در حفظ روابط با این کشورها و مناطق دارد، حوزه خلیج فارس است؛ که در سال‌های اخیر و با شکل‌گیری بحران سوریه و درگیری این طرف‌ها در بحران سوریه، مسکو همواره روابط خود با این کشورها را هرچند دارای منافع متضاد در بحران سوریه هستند، حفظ کرده است. این مهم در بسیاری از مواقع در روابط روسیه با ایران تأثیرگذار بوده و در بسیاری از محورها مانع همکاری و اتحاد همه‌جانبه مسکو و تهران شده است. سیاست نگاه به همه

و همکاری موقت با تمام آنها در استراتژی و سیاست خارجی خاورمیانه‌گرایی روسیه، مانع از اتحاد استراتژیک روسیه و ایران با وجود همکاری عمیق و گسترده در بحران سوریه، شده است (فرشادگهر و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۵۵). روسیه در طول سالیان اخیر همواره در تلاش بوده است تا در روابط خود با قدرت‌های خاورمیانه توازن ایجاد کند. این رویکرد، نه تنها توان بازیگری مسکو میان این قدرت‌ها را افزایش می‌دهد، بلکه قدرت چانه‌زنی آن مقابل غرب را نیز افزایش خواهد داد. مسکو بر آن است که به‌رغم برخی اختلافات، سطحی از روابط را با همه طرف‌ها در خاورمیانه حفظ نماید. حتی در مقاطع تشدید اوضاع به واسطه بحران سوریه و مخدوش شدن روابط مسکو با ترکیه و عربستان، برخی مجاری را باز نگه داشته است. این رویکرد چندبرداری نافی این فرض است، که مسکو در خاورمیانه نگاه ویژه‌ای به تهران دارد. مسکو تعامل با غرب و متحدان آن از جمله ترکیه، عربستان و اسرائیل را منتفی نمی‌داند؛ اما در مقابل، ایران برخی از این کشورها را بخشی از مشکل و نه بخشی از راه حل سوریه می‌داند (عسگریان، ۱۳۹۴، ص ۵۰). به عنوان نمونه، در حالی که رقابت میان ایران و عربستان در مسائل منطقه به‌ویژه سوریه وجود دارد؛ ولی روسیه به‌رغم احساس نگرانی از تهدیدات گروه‌های تکفیری مورد حمایت عربستان، همواره سعی می‌کند، روابط خود را با این کشور حفظ نماید و در آینده هم احتمال گسترش این روابط وجود دارد. بنابراین، روسیه در منطقه خاورمیانه به‌ویژه در سوریه درصدد استفاده از همکاری همه بازیگران است، تا خود را به‌مثابه یک قدرت برتر منطقه‌ای که دارای مشروعیت در بین کشورهای منطقه نیز باشد، معرفی کند (عسگریان، ۱۳۹۴، ص ۱۹۵-۱۹۹).

روسیه در راستای مقابله با تهدیداتی مانند افراط‌گرایی و تروریسم که می‌تواند مسلمانان روسی و کشورهای همجوار روسیه در آسیای مرکزی را تحت تأثیر قرار دهد، تلاش می‌کند با همه بازیگران خاورمیانه روابط مناسب و دوستانه‌ای داشته باشد، بدون اینکه وارد اتحادها یا ائتلاف‌های پایدار در این منطقه شود، یا در یک طرف درگیری‌های پیچیده آن قرار بگیرد (Trenin, 2016, p.4)؛ رویکردی که مارک کاتز^۱، کارشناس برجسته مسائل روسیه، از آن به‌عنوان «هنر ایجاد دوستی با هر کسی» یاد کرده است (Katz, 2010). در نتیجه، بعد از شروع بهار عربی از سال ۲۰۱۱ میلادی در منطقه و بحران کریمه در سطح بین‌المللی، روسیه یک همکاری چند بعدی با ایران- به ویژه در بحران سوریه- را شروع نمود که اوج این همکاری‌ها از سال ۲۰۱۴ میلادی آغاز شد. از سوی دیگر،

1. Mark Katz

روسیه همواره همکاری خود با دیگر بازیگران مهم منطقه، از جمله عربستان را نیز حفظ کرده؛ چرا که همکاری روسیه با ایران در منطقه، میزانی از نارضایتی و واکنش را در عربستان به وجود آورده است. این امر مسکو را مجبور نمود، تا ارتباط و هماهنگی خود را با برخی کشورهای عربی بیشتر کند و اعتماد و رضایت آنها را جلب نماید (فرشادگهر و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۴۱). در سیاست اوراسیاگرایی روسیه و در جریان بحران سوریه، شورای همکاری خلیج فارس و به طور خاص عربستان، مورد توجه بسیار روسیه است و مسکو به دنبال حفظ تعادل در روابط با این محورها و ایران است. روسیه در برقراری روابط و همکاری با شرکای خاورمیانه‌ای خود همواره جانب احتیاط را داشته است و سعی در برقراری تعادل با شرکای خود در منطقه دارد تا بدین وسیله، ضمن رد هرگونه اتحاد کامل خود با یکی از محورها، همه آنها را در کنار خود داشته باشد و از مزایا و منافع حاصل از همکاری‌های موردی و موقت با هرکدام از شرکا بهره‌مند گردد (فرشادگهر و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۴۳-۱۴۴). به طور کلی، سیاست این کشور، برقراری روابط متوازن با تمامی دول خاورمیانه‌ای و عدم جانبداری یک‌سویه از منافع گروه‌های درگیر در بحران‌های پیچیده خاورمیانه است. طبق این دیدگاه، همان‌گونه که توسعه روابط با کشورهایی چون ایران و سوریه که دارای تعارض منافع با آمریکا هستند، برای روسیه واجد اهمیت است، برقراری مناسبات با دول محافظه‌کار و متحدان سنتی آمریکا در خاورمیانه، نظیر عربستان نیز، از اولویت ویژه در سیاست خارجی آن کشور برخوردار است (طهمورثی، ۱۳۹۹).

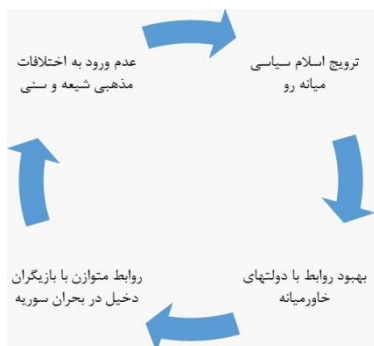
۶-۴. تلاشی برای پرهیز از ورود به اختلافات مذهبی کشورهای شیعه و سنی

مسئله «مشارکت شیعه و روسیه» در خاورمیانه در ارتباط با مناقشه سوریه مطرح شد. از زمان شروع جنگ داخلی در سوریه، مسکو در کنار رئیس‌جمهور بشار اسد، که از فرقه علویان است و شاخه‌ای از تشیع محسوب می‌شود، قرار گرفت (Малашенко, 2016). مسکو هیچ‌گونه تمایلی به بخشی از یک اردوگاه طرفدار شیعه در مقابل ائتلاف سنی به رهبری شورای همکاری خلیج فارس ندارد؛ چرا که، این امر امنیت روسیه را که دارای یک جمعیت ۱۵ میلیونی سنی است، به خطر می‌اندازد. هنگامی که روسیه در حال توسعه همکاری خود با ایران [در سوریه] بود، به طور جدی عوامل شورای همکاری خلیج فارس را نیز در نظر داشت. بدیهی است که مسکو نمی‌خواهد موقعیت خود را به عنوان متحد کامل ایران جلوه دهد، چرا که نگران روابط خود با عربستان به عنوان رهبر شورای همکاری خلیج فارس است (فرشادگهر و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۵۳). از سوی دیگر، مطرح شدن روسیه به عنوان یکی از اعضای ائتلاف «شیعه- ارتدکس»

علیه اهل سنت، که اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان آن، سنی مذهب هستند، خطرناک و مضر است (Ярлыкапов, 2016). روسیه علاقه‌ای به بازی در زمین رویارویی شیعه و سنی ندارد. در سال ۲۰۱۲ میلادی، ولادیمیر پوتین گفت که روسیه نمی‌خواهد وارد یک درگیری بین اسلامی شود. اولاً، این باعث کاهش نفوذ او در میان اعراب سنی و در واقع در جهان اسلام می‌شود، جایی که او در ۱۰ سال گذشته پیوسته به دنبال اقتدار بوده است. ثانیاً، حمایت از شیعیان به معنای حمایت از بلندپروازی‌های ایران برای تقویت هلال شیعه است. روسیه در ادامه سیاست خارجی خود، به توسعه روابط سیاسی و اقتصادی خود با مصر، اردن، الجزایر و دیگر کشورهای عربی پرداخت. چندین توافقنامه با قاهره از جمله در زمینه ساخت نیروگاه هسته‌ای در مصر امضاء کرد و ارتباطات فنی و نظامی با این کشور را گسترش داد. در سال ۲۰۱۵، مرکز هماهنگی نظامی روسیه و اردن در امان تأسیس شد. همه اینها یکبار دیگر نشان می‌دهد، که روسیه سعی نمی‌کند از رویارویی شیعه و سنی استفاده کند (Малашенко, 2016).

اتحاد ایران و روسیه، تلاش‌های مسکو برای حل و فصل بحران سوریه توسط عربستان سعودی را که کم‌تر حاضر به گفتگو با روسیه است، تضعیف خواهد کرد. این به طور مؤثر روسیه را به میان رویارویی‌های شیعه و سنی می‌کشد و اجازه می‌دهد نیروهای سیاسی ضد روسی در خاورمیانه، کرملین را به عنوان دشمن جهان سنی به تصویر بکشند. چنین چشم‌اندازی می‌تواند به صورت جدی یک تهدید برای روسیه در منطقه باشد و امکان دارد، به امنیت داخلی روسیه که دارای ۱۵ میلیون مسلمان عمدتاً سنی است، لطمه بزند. گروه‌بندی سلفی در شورای همکاری خلیج فارس از آغاز جنگ داخلی در سوریه، روسیه را به عنوان صلیبیون جدید به تصویر می‌کشاند. در اکتبر سال ۲۰۱۵ میلادی، مسکو یک هشدار دریافت کرد که حدود ۵۰ روحانی عربستان، اعلام جهاد علیه مسکو را به امضاء رساندند. این امر، یک پس زمینه ایدئولوژیک برای وحدت نیروهای رادیکال در سوریه ایجاد کرد و برای حامیان اسلام رادیکال در شورای همکاری نیز، انگیزه لازم برای حمایت مالی از اسلام‌گرایان داخل روسیه را فراهم نمود. سکوت روسیه در رویارویی دیپلماتیک تهران با ریاض نیز ممکن است، تلاش برای بهبود تصویر مسکو در جهان سنی باشد (فرشادگهر و همکاران، ۱۳۹۶، صص ۱۵۳-۱۵۴). یوری باریت^۱، کارشناس امور سیاسی متخصص در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه، در این‌باره بیان می‌دارد: «در سطح بین‌الملل، روسیه در

حال بهره‌برداری از چچن است تا به انتقادات در میان اهل تسنن مبنی بر اتحاد مسکو با شیعیان خاتمه دهد؛ به عنوان مثال، تشکیل پلیس چچنی در سوریه بخشی از این راهبرد است. همچنین چچنی‌ها در حال بازسازی مسجد بزرگ حلب هستند که برای جلب نظر اهل سنت سوریه انجام می‌شود» (پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، ۱۳۹۷).



شکل ۲- مدل مفهومی سیاست متوازن روسیه در قبال کشورهای اسلامی خاورمیانه

۷. سیاست متوازن روسیه در قبال ایران و عربستان

از نظر مقامات روسیه، همچنان که ایران از جایگاه مهمی در برقراری ثبات منطقه‌ای برخوردار است، برخی دیگر از کشورهای اسلامی خاورمیانه از جمله عربستان نیز، نفوذ بالایی نزد جوامع مسلمان دارند. در میان کشورهای سنی مذهب منطقه، روسیه بیشترین توجه را به کشور عربستان دارد؛ زیرا عربستان بیش از سایر کشورها، به تأثیرگذاری مستقیم و البته منفی بر منافع حیاتی روسیه از طریق حمایت از اسلام‌گرایان افراطی در چچن و سراسر منطقه اقدام می‌نماید. روسیه تلاش دارد که رابطه متوازن خود را با توجه به اهمیت ایران و عربستان با این دو کشور حفظ نماید؛ البته خطر چنین سیاستی این است که در بلندمدت می‌تواند، ایران و عربستان را به روسیه بی‌اعتماد کند؛ اما آنچه پوتین روی آن سرمایه‌گذاری می‌کند، ترس دو طرف از عدم همکاری با روسیه و گرایش روسیه به سمت دیگری است. با چنین منطقی، هرکدام از دو رقیب برای حفظ روسیه در کنار خود بیشتر خرج می‌کند (عسگریان، ۱۳۹۸، ص ۱). روس‌ها خواستار ایجاد توازن قوا هستند؛ بنابراین، در کنار روابط دوستانه با ایران، به دنبال ایجاد روابط بهتر سیاسی و اقتصادی با عربستان هستند.

روابط رو به گسترش مسکو با تهران، در حال اثرگذاری بر روابط روسیه با دیگر بازیگران منطقه‌ای از جمله عربستان بود و روسیه هیچ تمایلی نداشت که گسترش روابط با ایران باعث کاهش سطح روابط آن با عربستان و دیگر کشورهای منطقه که از محورهای مهم و مورد توجه در

سیاست اوراسیاگرایی مسکو هستند، شود. به همین جهت، سعی در حفظ تعادل در روابط خود با ایران دارد و این مهم، همان عاملی است که ایجاد اتحاد روسیه با ایران را برای مسکو ناممکن می‌کند (فرشادگهر و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۴۹). از سوی دیگر، سعودی‌ها تلاش کردند مسکو را از تهران دور کنند؛ اما روس‌ها به رویکرد اصلی خود در خاورمیانه یعنی برقراری ارتباط دوستانه با همه طرف‌ها پایبند هستند. در حقیقت، مسکو به توسعه روابط با تهران و ریاض به شکل همزمان تمایل دارد. مسکو و ریاض در سال‌های پس از آغاز مداخله نظامی روسیه در سوریه، علیه هم فعالیت می‌کردند؛ اما بعدها، دو کشور موفق به یافتن زمینه مشترک برای همکاری‌های دوجانبه حتی به صورت محدود شدند (بلینکایا، ۱۳۹۹). در این راستا، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه در ۱۴ اکتبر ۲۰۱۹ (۲۲ مهر ۱۳۹۸) و پس از ۱۲ سال برای یک دیدار رسمی به عربستان سفر کرد^۱ تا با مقام‌های عربستان سعودی درباره طیف گسترده‌ای از مسائل از جمله انرژی و آینده اوپک، افزایش حجم تجارت، فروش سلاح، تنش بین تهران و ریاض و مسائل دیگر رایزنی کند. در سفر یک روزه پوتین به عربستان، بیش از ۳۰ سند همکاری به ارزش بیش از ۲ میلیارد دلار امضاء شد که منشور همکاری بلندمدت کشورهای تولیدکننده نفت، یکی از اسناد مهمی بود که به امضای دو طرف رسید (خبرآنلاین، ۱۳۹۸). پوتین، در آستانه سفر خود به عربستان سعودی در مصاحبه‌ای اختصاصی با بخش‌های عربی شبکه‌های تلویزیونی «راشا تودی»^۲، «العربیه» و «اسکای نیوز»^۳ تأکید کرد که این کشور هرگز با کشوری، علیه طرف ثالثی دوستی نمی‌کند، روسیه روابط دوجانبه خود را براساس تمایلات مثبت توسعه می‌دهد، ولی اتحادی علیه سایر کشورها به وجود نمی‌آورد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۸).

با شروع تحولات بهار عربی، مسکو سعی کرد تا در برقراری و حفظ روابط خود با تهران، به صورت فعال‌تری عمل نماید. در این میان، مواضع نزدیک دو طرف در قبال بحران خاورمیانه به‌ویژه مسئله سوریه، که هر دو کشور از راه‌حل‌های سیاسی مسالمت‌آمیز برای حل و فصل درگیری در این کشور حمایت می‌کردند (Belobrov & et al., 2014, p.33)، زمینه‌های همکاری مشترک بیش از پیش آنها را فراهم ساخت (اختیاری امیری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۷-۲۸). اما روابط

۱. سفر قبلی رئیس‌جمهوری روسیه به عربستان در ماه فوریه سال ۲۰۰۷ میلادی انجام گرفت که نخستین سفر رئیس‌جمهوری روسیه در تاریخ معاصر این کشور (پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱) است.

2. Russia Today

3. Sky News

نزدیک روسیه با ایران و همکاری‌های دو کشور در زمینه مسائل منطقه‌ای به منزله نوعی بی‌توجهی از جانب روس‌ها نسبت به خواسته‌های عربستان سعودی تلقی می‌شود (Kaura, 2017, p.2). به‌رغم وجود اختلافات گسترده میان تهران و ریاض، روسیه رویکرد خود را مبتنی بر حفظ و توسعه روابط با هر دو کشور قرار داده است (Katz, 2018) تا بدین طریق بتواند، توازن میان روابط خود با عربستان سعودی و ایران را به صورت توأمان حفظ نمایند. به عبارتی در زمینه بحران سوریه، مسکو تلاش کرده است که همزمان از ظرفیت‌های تهران و ریاض استفاده نماید؛ اما با توجه به این که منافع روسیه مستلزم حمایت از اسد و مداخله نظامی ایران در آن کشور بوده است، در این زمینه سیاست‌های هماهنگی را با تهران در پیش گرفتند (اختیاری امیری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۹).

با تشدید بحران در یمن و تقابل ایران و عربستان، روسیه توانست نقش میانجی را ایفا نماید. روسیه از اعتبار و اعتماد بازیگران کلیدی دخیل در این بحران برای ایجاد صلحی پایدار در یمن برخوردار گشت (Serebrov, 2017, p.8-11). خلأ وجود یک میانجی، فرصت بسیار خوبی را برای روسیه فراهم ساخت، تا توانمندی دیپلماتیک خود را در زمینه تسهیل حل و فصل منازعه در یمن را به نمایش بگذارد. در همین راستا، مسکو از زمان آغاز مداخله نظامی عربستان در یمن در مارس ۲۰۱۵، روابط همکاری‌جویانه خود را با تمامی گروه‌های سیاسی ذی‌نفع در یمن آغاز نمود و بلافاصله حمایت خود را از ایده حل و فصل مسالمت‌آمیز جنگ داخلی در یمن اعلام کرد (Ramani, 2017, p.1). همزمان مسکو، دولت منصور هادی را که مورد حمایت عربستان سعودی در یمن است، به رسمیت شناخت و از طرف دیگر، روابط خوبی با حوثی‌های تحت حمایت ایران برقرار کرد (Katz, 2018)؛ اما روس‌ها برای حمایت یک‌جانبه از حوثی‌های یمن، دارای محدودیت‌هایی بوده‌اند. آنها به خوبی آگاهند که یمن در حال حاضر صحنه رقابت ایران (شیعی) و عربستان (سنی) است و هرچند آمریکا آشکارا از ریاض حمایت می‌کند، اما پشتیبانی مستقیم مسکو از حوثی‌های یمن، ممکن است این کشور را در برابر کشورهای سنی قرار دهد که روس‌ها آن را در جهت منافع خود نمی‌بینند (تقوایی‌نیا، ۱۳۹۵). بنابراین، به نظر می‌رسد نحوه مدیریت روسیه در رابطه با تعارض منافع ایران-عربستان در یمن بیشتر بر محور میانجی‌گری قرار داشته و این کشور سعی کرده است، ضمن ممانعت از مداخله نظامی، نظیر آنچه که در سوریه انجام داد، و پرهیز از تقابلات ایدئولوژیک و فرقه‌ای طرف‌های درگیر در جنگ، سازوکاری را برای پایان منازعه پیدا نماید (اختیاری امیری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۳۳). با این حال، مسکو نمی‌تواند روابط خود را با تهران و ریاض به طور کامل تقسیم‌بندی کند؛ زیرا رقابت عربستان و ایران

به طور فعال در سایر کشورهای منطقه از جمله سوریه، لبنان، عراق، یمن و بحرین در حال انجام است. در سوریه، روسیه به وضوح در حمایت از رژیم اسد و در مقابل عربستان سعودی که از مخالفان عرب سنی اسد پشتیبانی می‌کرد، از ایران حمایت کرد؛ اما مسکو در سایر شرایط درگیری، با ایران چندان هم پیمان نشده است. در لبنان، مسکو روابط خوبی را با جنبش شیعه حزب‌الله که تهران از آن حمایت می‌کند، و همچنین با رقیبان مسلمان سنی و مسیحی خود، جستجو کرده است. در یمن، مسکو دولت هادی را که مورد حمایت عربستان است به رسمیت می‌شناسد، اما روابط خوبی با مخالفان حوثی مورد حمایت ایران دارد. در بحرین، سیاست روسیه به طور قابل توجهی از ایران متمایز می‌شود؛ در حالی که تهران با اکثریت شیعه تحت حاکمیت اقلیت سنی، ابراز همدردی می‌کند، مسکو روابط قوی و حمایتی با پادشاهی بحرین دارد. سرانجام، روابط نزدیک مسکو با اسرائیل، آن را بیشتر با عربستان هماهنگ می‌کند که بی‌سر و صدا با دولت یهود- و نه با ایران- همکاری می‌کند (Katz, 2018).

ایران تأثیر به‌سزایی در تحولات جهان اسلام دارد و همکاری با این کشور، می‌تواند موازنه لازم را برای روسیه در محیط پیرامونی آن که توسط کشورهای اسلامی احاطه شده است را به وجود آورد (اصولی و رسولی، ۱۳۹۲، ص ۷۱). برخلاف ایدئولوژی‌های افراطی در جهان اسلام که بر برداشتی تکفیری مبتنی بر آموزه‌های وهابی استوار است و با خشونت و تروریسم درآمیخته، رویکرد ایران به اسلام، نه تنها نسبتی با خشونت، افراط و ترور ندارد، بلکه در تضاد با آن است. این امر برای روسیه که تهدیدهای زیادی از ناحیه افراط‌گرایی و تروریسم احساس می‌کند، یک نقطه اتکاء در خاورمیانه به‌شمار می‌آید.

مسکو، تهران را متحد در برابر دو تهدید مشترک می‌داند: جدایی‌طلبی و جهادگرایی سنی. هم روسیه و هم ایران با جنبش‌های جدایی‌طلبانه در داخل کشور خود مواجه هستند و از این‌رو حمایت از یکدیگر را بسیار ارزشمند می‌دانند (Katz, 2018). در جریان خیزش موسوم به بهار عربی، روسیه از این مسئله واهمه داشت که دولت‌های غربی با همکاری دولت‌های عرب هم‌پیمان آمریکا، از تحولات مذکور در منطقه به نفع خود بهره‌برده و بر منطقه مسلط شوند. بنابراین، روس‌ها سیاست نزدیکی به ایران را، به عنوان یکی از قدرتهای مهم منطقه‌ای، در پیش گرفتند (Vatanka, 2017, p.7-8)، تا مانع از تغییر موازنه قدرت شوند.

از سوی دیگر، کنترل افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی در مناطق مسلمان‌نشین آسیای مرکزی، قفقاز و داخل مرزهای روسیه، از جمله اهدافی است که روسیه از ایجاد رابطه نزدیک با عربستان دنبال می‌کند (قرشی، ۱۳۹۷). عربستان به دلیل برخورداری از اماکن مقدس مکه و مدینه و همچنین

دلار نفتی موفق شده است، تا در کشورهای مسلمان منطقه و جهان، مثل روسیه، نفوذ فراوانی پیدا کند (Soage, 2015, p. 4). برداشت وهابی- سلفی از اسلام به مدت نیم‌قرن، مهم‌ترین محصول صادراتی سعودی‌ها به جهان اسلام بوده است (خاشع، ۱۳۹۲). در این راستا، بعد از فروپاشی شوروی، عربستان مبلغان بسیاری را برای جذب مسلمانان روسیه، قفقاز و آسیای مرکزی به این مناطق اعزام کرد. بنابراین، تنها اندکی بعد از فروپاشی، روس‌ها شاهد ظهور و گسترش وهابیت در روسیه و منطقه بودند و در سال‌های بعد به ویژه پس از انقلاب‌های عربی نیز حمایت مالی و تسلیحاتی کشورهایمانند عربستان و قطر از سلفی‌ها برای روسیه نگران‌کننده بود (زارعی، ۱۳۹۲). در نتیجه، از دیدگاه مسکو تعامل با عربستان، از نظر پاسخ به مطالبات داخلی مسلمانان روسیه حائز اهمیت است. مسکو تلاش می‌کند با گسترش رایزنی‌ها با عربستان سعودی بستر آرام و کنترل شده‌ای را برای همکاری ایجاد و از این طریق، نه تنها برای جمعیت مسلمان خود، بلکه برای کل کشور ظرفیت‌سازی نماید. از نگاه روس‌ها، عربستان دارای قدرت اثرگذاری در چارچوب جهان اسلام و کشورهای عربی است و در سایه همکاری به دور از تنش می‌تواند با سایر کشورها نیز روابط آرامی را تجربه کند. صرف‌نظر از جایگاه معنوی و ایدئولوژیک عربستان، روس‌ها متوجه بخش مخرب و اخلاک‌اندراندیشه وهابی و جریان تکفیر و افراط، که منبعث از مراکز فکری و مدارس دینی کشور عربستان می‌باشد، هستند و تلاش دارند، به صورت هدفمند این بخش را تحت کنترل درآورده و از جهت‌گیری این جریان علیه روسیه ممانعت نمایند. ارزیابی روس‌ها این است که با ایجاد پیوندهای اقتصادی و تجاری، گرایش‌های سیاسی نیز به یکدیگر نزدیک می‌شود و در نهایت، نهادهای فکری و دینی عربستان از آزادی عمل محدودتری در مسیر جهت‌گیری‌های ضد روسی برخوردار خواهند بود. طبعاً نزدیکی به این خواسته، به معنای آرامش بیشتر در مناطق مسلمان‌نشین آسیای مرکزی، قفقاز و داخل مرزهای روسیه خواهد بود (حسینی، ۱۳۹۵، ص ۱).

در مجموع به نظر می‌رسد، روسیه پس از انقلاب‌های عربی توانست ضمن دفع تهدیدات، از فرصت ایجاد شده استفاده نماید و با اتخاذ سیاستی متوازن در قبال قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران و عربستان، جایگاه گذشته خود را در خاورمیانه بازیابد. روسیه برای عدم ایجاد هرگونه اتحاد استراتژیک و همه‌جانبه با هریک از کشورهای اسلامی خاورمیانه و حفظ تعادل و برقراری موازنه در روابط با آنها، به یک همکاری موقت و موردی با هرکدام از این کشورها اقدام کرده است تا ضمن بهره‌برداری از منافع حاصل از همکاری با تمام کشورها، خود را به هیچ‌یک از آنها متعهد و محدود نسازد.

۸. نتیجه‌گیری

پس از انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱ میلادی، روسیه با توجه به قالب ذهنی و با اتکاء به درک و برداشتی که از جوامع مسلمان داشت، با جهان اسلام وارد تعامل شد و هویت جدید و به تبع آن، منافع جدیدی برای خود تعریف کرد. در این چارچوب است که می‌توان سیاست روسیه در قبال کشورهای اسلامی خاورمیانه را با نظریه سازه‌انگاری تبیین نمود؛ زیرا که سازه‌انگاری فراتر از تقلیل‌گرایی واقع‌گرایان، با نگاهی جامع‌تر به محیط بین‌الملل نگرسته و ضعف‌های نظریه‌های قبلی را جبران نموده و در نهایت تصویری واقعی‌تر از الگوهای رفتاری دولت‌ها در عرصه بین‌الملل ارائه داده است. این نظریه صرفاً بر عناصر مادی قدرت تمرکز نمی‌کند و بر اهمیت انگاره‌ها، قواعد و هنجارها صحه می‌گذارد. سازه‌انگاران بر این عقیده‌اند، زمانی که تعاملات دولت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد، نمی‌توان صرفاً بر ساختارهای مادی، رفتارها و تعاملات عقلانی، منافع ثابت و از پیش تعیین شده تمرکز کرد و بهتر است، در کنار این عوامل، به هویت و هنجارها نیز توجه شود. بر این اساس، راهبرد سیاست خارجی روسیه پس از فروپاشی شوروی، به‌ویژه در دوران پوتین را نمی‌توان فقط با تکیه بر نظریه‌های اثبات‌گرا که اتکایشان توجه به مسائل مادی در شکل‌گیری منافع ملی و کنش خارجی کشورهاست، تجزیه و تحلیل کرد. در این دوران، هویت روسیه به عنوان عاملی مهم در تکوین منافع و سیاست خارجی این کشور نقش داشته است. روسیه با تهدید تلقی کردن مسائل برخی مناطق جهان اسلام از جمله خاورمیانه و در راستای جلوگیری از خطر نفوذ اسلام‌گرایان افراطی از این منطقه به داخل خاک این کشور و مناطق مجاور خود، سیاست متوازنی نسبت به کشورهای اسلامی خاورمیانه اتخاذ کرده است. بر این اساس، روسیه با اقدام نظامی در سوریه، سعی کرد محور ایران، سوریه، عراق و حزب‌الله لبنان را در برابر جریان‌های حامی غرب در خاورمیانه تقویت و از این رهگذر، توان اثرگذاری خود در معادلات منطقه‌ای را حفظ کند. روسیه توانسته است، همزمان با حفظ مناسبات با تهران و ریاض، به مدیریت تعارض موجود در روابط آنها در راستای منافع منطقه‌ای خود بپردازد. بر همین مبنا، در طول دهه‌های گذشته، به‌ویژه از زمان قدرت‌یابی پوتین، مسکو در تلاش است تا مناسبات سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی خود را با اکثر کشورها از جمله تهران و ریاض، که دارای تعارض منافع هستند، در قالب نوعی روابط متوازن توسعه بخشد. به عبارتی، همان‌گونه که توسعه روابط با کشورهای مخالف آمریکا نظیر ایران و سوریه برای روسیه واجد اهمیت بوده است، برقراری مناسبات با دول محافظه‌کار و متحدان سنتی آمریکا در خاورمیانه مانند عربستان نیز، از اولویت ویژه‌ای در سیاست خارجی آن کشور برخوردار می‌شود. روابط نزدیک مسکو-تهران به معنای فاصله گرفتن

روسیه از عربستان نیست؛ بلکه سیاست روسیه به نحوی تنظیم می‌گردد که ضمن همکاری نزدیک با ایران در حوزه‌هایی مانند بحران سوریه و متقابلاً نادیده گرفتن خواست مقامات عربستان در رابطه با این مسائل، در حوزه‌ها و موضوعات دیگری نظیر رادیکالیسم اسلامی، همکاری و مشارکت تنگاتنگی با سعودی‌ها داشته باشد.

براساس آنچه بیان شد، می‌توان به این نتیجه رسید که تهدید ظهور افراط‌گرایی اسلامی در داخل خاک روسیه و موج روز افزون ملحق شدن برخی از اتباع این کشور به آن، روسیه را ناگزیر از برقراری سیاست متوازن در قبال کشورهای اسلامی شیعه و سنی مذهب و به طور مشخص ایران و عربستان، در فاصله سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۲۰ میلادی نموده است. لذا انتظار می‌رود، نقش اسلام در سیاست خارجی روسیه افزایش یابد و دولتمردان روسی، تمایل بیشتری به تعامل سازنده با کشورهای اسلامی خاورمیانه پیدا نمایند.

منابع

- آیا پوتین به دنبال امتیاز گرفتن از ریاض علیه تهران است؟ خبرگزاری خبرآنلاین (۲۵ مهر ۱۳۹۸). بازیابی در ۲۳ اسفند ۱۳۹۹. قابل دسترس در: www.khabaronline.ir/news/1311411
- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین و مدودف. *مطالعات روابط بین‌الملل*، ۹(۳۳)، ص ۹-۵۴.
- اختیاری امیری، رضا؛ رفیع، حسین؛ بلبل امیری، عطیه (۱۳۹۹). سیاست خاورمیانه‌ای روسیه و مدیریت تعارض رابطه تهران- ریاض. *مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۳(۵۰)، ص ۹-۴۲.
- اصولی، قاسم؛ رسولی، رؤیا (۱۳۹۲). روابط ایران و روسیه: فرصت‌ها، چالش‌ها و سازوکارهای بسط روابط. *سیاست خارجی*، ۲۷(۱).
- بلینکایا، ماریانا (۲۲ تیر ۱۳۹۹). اندیشکده کارنگی بررسی کرد: نقش متغیر عربستان در روابط ایران و روسیه. *روزنامه دنیای اقتصاد*، بازیابی در ۱۷ آذر ۱۳۹۹، قابل دسترس در: <https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-3671836>
- پوتین: روسیه هرگز با کسی علیه کشور ثالثی دوستی نمی‌کند. خبرگزاری تسنیم (۲۱ مهر ۱۳۹۸). بازیابی در ۲۳ اسفند ۱۳۹۹. قابل دسترس در: www.tasnimnews.com/fa/news/1398/07/21/2117715
- تقوایی نیا، احسان (۳۱ شهریور ۱۳۹۵). جایگاه یمن در راهبردهای جدید روسیه. *وبگاه موسسه ایراس*، بازیابی در ۱۲ دی ۱۳۹۹. قابل دسترس در: www.iras.ir/fa/doc/note
- حسینی، سید احمد (خرداد ۱۳۹۵). روسیه و عربستان؛ شرکای دور و روابط نزدیک. *دیپلماسی ایرانی*، بازیابی در ۲۳ اسفند ۱۳۹۹. قابل دسترس در: www.irdiplomacy.ir/fa/news/1959735
- خاشع، جعفر (۱۳۹۲). تهدید سلفی‌های سوریه برای خارج نزدیک روسیه. *بنیاد مطالعات قفقاز*. قابل دسترس در: <http://ccsi.ir/vdcf.vdviw6d0xgiaw.html>
- زارعی، حسین (۲۱ دی ۱۳۹۲). اسلام در روسیه از صوفیسم تا سلفیسم؛ سلفی‌ها در روسیه به دنبال چه چیزی هستند؟ *گروه بین‌الملل برهان*. قابل دسترس در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1927196>
- سنایی، مهدی (۱۳۹۳). اسلام و مسلمانان در روسیه. *پایگاه تحلیلی خبری قفقاز*، بازیابی در ۱۹ شهریور ۱۴۰۰. قابل دسترس در: www.qafqaz.ir/fa/?p=8078
- طهمورثی، رحمت (۱۹ خرداد ۱۳۹۹). روسیه، سودای میدان‌داری در خاورمیانه. *خبرگزاری ایرنا*، بازیابی در ۱۸ آذر ۱۳۹۹. قابل دسترس در: www.irna.ir/news/83810568
- عسگریان حسین (۱ مرداد ۱۳۹۸). *سیاست خاورمیانه‌ای روسیه. مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران*، بازیابی در ۱۸ آذر ۱۳۹۹، قابل دسترس در: www.tisri.org/?id=c6nbhs2u
- عسگریان، حسین (۱۳۹۴). *چشم‌انداز روابط ایران و روسیه*. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- فرشادگهر، ناصر؛ قائمی، یاسر؛ جمور، لیلیا (۱۳۹۶). *واکاوی روابط روسیه و جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر بحران سوریه. سیاست و روابط بین‌الملل*، ۱(۲)، ص ۱۳۹-۱۶۵.

فیروز، احسان (۱۳۹۰). تحولات سیاست خارجی روسیه پس از جنگ سرد و تاثیر آن بر خاورمیانه. وب سایت سیاست ما.

قرشی، سیده مهدیه (۷ آذر ۱۳۹۷). روسیه و عربستان؛ شرکایی دور در پی روابط نزدیک. خبرگزاری مهر، بازیابی در ۱ بهمن ۱۳۹۹، قابل دسترس در: www.mehrnews.com/news/4470622

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها. تهران: سمت.
کولایی، الهه؛ عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۹). زمینه‌ها، عامل‌ها و پیامدهای تحول در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه (مجموعه مقاله‌ها). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

گروسه، رنه (۱۳۷۹). امپراتوری صحرانوردان. ترجمه عبدالحسین میکده. تهران: علمی- فرهنگی.
گزارش مفصل آتلانتیک از استراتژی تازه پوتین در خاورمیانه؛ روسیه به دنبال ترویج الگویی از اسلام در مقابل اسلام سیاسی. پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (۲۱ دی ۱۳۹۷). بازیابی در ۱۷ آذر ۱۳۹۹. قابل دسترس در: www.entekhab.ir/fa/news/452325

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: سمت، چاپ ششم.
میرفخرایی، سیدحسن (۱۳۹۹). الگوهای رفتاری سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه پس از خیزش‌های عربی. مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۳(۵۲).

ونت، الکساندر (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.

یملیانوا، گالینا (۱۳۷۶). روسیه و اسلام؛ تاریخ و چشم‌انداز روابط. ترجمه معصومه جمشیدی. تاریخ معاصر ایران، شماره ۱، ص ۱۰۶-۹۱.

Antúnez, J.C. (2016). Islam in Russia: Challenge or Opportunity? *Estudios Globales*, Retrieved: 11 June 2016, from:

www.global-strategy.org/islam-in-russia-challenge-or-opportunity

Belobrov, Y.Y., Volodin, A.G., Demidenko, S.V., Kozyrev, N.I. & et al. (2014). Modern Russian-Iranian Relations: Challenges and Opportunities. *Russian International Affairs Council*. URL= <https://russiancouncil.ru/upload/WP14Russia-Iran-En.pdf>

Dannreuther, R. (2012). Russia and the Middle East: A Cold War Paradigm? *Europe-Asia Studies*, 64(3), p. 543-560.

Ermolaeva, O. (2016). *An analysis of identity-based and security-oriented Russian foreign policy in relation to Syria*. PhD. Thesis. Middlesex University.

Fearon, J. & Wendt, A. (2005). *Rationalism v. Constructivism: A Skeptical View*. In: Walter Carlsnaes, Thomas Risse & Beth A. Simmons (ed.), *Handbook of International Relations*. London: Sage, p. 52-72.

Hopf, T. (1998). The Promise of Constructivism in International Relations Theory. *International Security*, 23(11), p. 71-200.

Isayev, R. (2007). Russia: The role of religion in the Chechen conflict. *Prague Watchdog*, Retrieved: 23 May 2021, from:

www.reliefweb.int/report/russian-federation/russia-role-religion-chechen-conflict

Karadere, M. L. (2017). *Russia and the Region's Muslims: A History of Relations*. Retrieved:

- 26 January 2020. URL= www.insamer.com/en/russia-and-the-regions-muslims-a-history-of-relations_1056.html
- Katz, M. (2010). *Russia's Greater Middle East Policy or the Art of Making Friends with Everybody*. IFRI Center Russia/NNG, April.
- Katz, M.N. (7 May 2018). *Balancing Act: Russia between Iran and Saudi Arabia*. URL= <https://blogs.lse.ac.uk/mec/2018/06/26/balancing-act-russia-between-iran-and-saudi-arabia/>
- Kaura, V. (2017). The Dynamics of Saudi-Russian Relations. *The Begin-sadat Center for Strategic Studies*, Paper No.623, 21 October 2020.
URL= <https://besacenter.org/dynamics-saudi-russian-relations/>
- Levesque, J. (2 July 2008). Russia and the Muslim World: The Chechnya Factor and Beyond. *Russian analytical digest*, No 44.
- Ramani, S. (14 November 2017). *Russia's next Power Play May Occur in Yemen*.
URL= <https://nationalinterest.org/feature/russias-next-power-play-may-occur-yemen-23197>
- Serebrov, S. (2017). Yemen Crisis: Causes, Threats and Resolution Scenarios. *Russian International Affairs Council*.
URL= <https://russiancouncil.ru/papers/Yemen-Policybrief14-en.pdf>
- Soage, A. (2015). Saudi Arabia. A Regional Power Facing Increasing Challenges. *Research Gate*, 8 December 2015, from: <https://www.researchgate.net>.
- Team, A. (2019). *Islam in Russia: Home to 25 Million Muslims*. Retrived: 23 May 2021, from: www.amaliah.com/post/47643/islam-in-russia-tsarist-russian-mosques.
- Trenin, D. (2016). Russia in the middle ea: Moscow's Objectives, Priorities & Policy Driven. *Carnegie Endowment for International Peace*. URL= https://carnegieendowment.org/files/03-25-16_Trenin_Middle_East_Moscow_clean.pdf
- Vatanka, A. (2017). *Iran's Russian Conundrum*. The Jamestown.
- Wendt, A. (1999). *Social Theory of International Politics*. Cambridge & New York: Port Melbourne & Cambridge University Press.

российские источники

- Бордачёв, Т. (2021). *Россия на Ближнем Востоке: десять лет после арабской весны*. Международного дискуссионного клуба Валдай,
From: <https://ru.valdaiclub.com/a/highlights/desyat-let-posle-arabskoy-vesny/>.
- Малашенко, Алексей (2016). «Российско-шиитский альянс» в головах и в политике, *Сайт журнала vedomosti*, Доступна с:
<https://www.vedomosti.ru/opinion/articles/2016/01/27/625601-rossiisko-shiitskii-alyans> [08.10.2021].
- Ярлыкапов, А. (2016). *Российский ислам в контексте ситуации на Ближнем Востоке*. журнале Россия в глобальной политике, Доступна с:
<https://globalaffairs.ru/articles/rossijskij-islam-v-kontekste-situaczii-na-blizhnem-vostoke/>.